

ولایت الهی



هر که خود را درست تفسیر نکند، در نتیجه به‌گونه صحیح نشناسد، تدبیر و ولایتش به دست شیطان سپرده می‌شود و شیطان با رسوخ در همه اعضا و جوارح او و تسخیر باطن وی، به جایش می‌بیند، می‌شنود، سخن می‌گوید...

هر که خود را درست تفسیر نکند، در نتیجه به‌گونه صحیح نشناسد، تدبیر و ولایتش به دست شیطان سپرده می‌شود و شیطان با رسوخ در همه اعضا و جوارح او و تسخیر باطن وی، به جایش می‌بیند، می‌شنود، سخن می‌گوید و کار می‌کند؛ اما اگر کسی خود را به درستی تفسیر و به صحت و کمال خودسازی کند، ولایت و تدبیرش به دست خداست که ثمره پربرکت تفسیر صحیح خویش است.

از غرر روایاتی که شیعه و سنی با سندهای صحیح و معتبر و موثق در زمره احادیث قدسی نقل کرده‌اند، این حدیث قرب نوافل است: «ما تقرب إليّ عبد بشيء أحبّ إليّ ممّا افترضت عليه و إني ليتقرب إليّ بالنافلة حتّى أحبّه؛ فإذا أحببته كنت سمعه الذي يسمع به...» (1)؛ یعنی بنده مؤمن پس از انجام دادن واجبات بر اثر به جا آوردن نوافل، به خداوند نزدیک می‌شود، در نتیجه خدا در بخش صفات فعلی نه در بخش ذات که منطبقه ممنوع است خودش زبان آن بنده می‌شود که با آن سخن می‌گوید؛ گوش او می‌شود که با آن می‌شنود و دست و چشم وی می‌گردد.

آری ولایت الهی ثمره ارزشمند تفسیر صحیح انسان است که جز در پرتو حاکمیت جوهره وجود انسان (عقل) بر تمام ابعاد و اجزای وجودی او به دست نخواهد آمد. این همان «تفسیر انسان به انسان» است که در شعاع پرفروغ ولایت خدای قدّوس جایگاه وجود قدسی انسان و راه ترقی به مقام قدس را ترسیم می‌کند.

- الکافی، ج 2، ص 352.

تفسیر انسان به انسان، ص 389-390.